

## «ابن ادریس حلی» پایان‌بخش سنت تقلید از آرای شیخ طوسی بود



شجاعت علمی ابن ادریس در شکستن سنت تقلید از آرای شیخ طوسی، تحرك بخشیدن به فقه امامیه، خارج کردن آن از رکود و جمود و تشویق ابتکار و اندیشه آزاد؛ بیانگر جلالت قدر اوست.

به گزارش خبرگزاری قرآنی ایران (ایکنا)، 870 سال پیش، 18 شوال سال 559 هجری قمری، «ابن ادریس، فخرالدین ابو عبدالله محمد بن ادریس عجللی حلی»، از فقیهان بزرگ امامیه، دیده از جهان فروبست و به دیار باقی شتافت.

نسبت عجللی ظاهراً باید مربوط به نسب وی باشد. در برخی از منابع نام و نسب او به شکل‌های محمد بن ادریس بن محمد، محمد بن ادریس بن احمد بن ادریس، محمد بن احمد بن ادریس و حتی به شکل غریب محمد بن منصور بن احمد بن ادریس ثبت شده که هیچ یک قابل اعتماد نیست.

بنابر منابع متأخر، مادر ابن ادریس نوه دختری شیخ مسعود ورام بوده است و نسب وی از جانب مادر با 3 واسطه به شیخ طوسی می‌رسد، اما نظر به تاریخ وفات شیخ ورام در 605/1208م و سال وفات ابن ادریس، و نیز با مقایسه طبقه شیخ ورام با طبقه ابن ادریس این نسبت درست نمی‌نماید. شرح حال‌نویسان ابن ادریس وی را با عنوان «حلی» یاد کرده‌اند، و منتجب‌الدین متذکر شده که در حله با وی ملاقات کرده است.

تاریخی برای ولادت ابن ادریس نقل نشده، ولی به استناد خط شهید ثانی که در اجازات مجلسی آمده، ابن ادریس در 558/1163م به سن بلوغ رسیده است و با فرض این‌که وی در حدود 15 سالگی بالغ شده باشد، تولد وی را باید در حدود 543/1148م دانست. در مورد وفات او نیز اختلاف است: کفعمی جمعه 18 شوال 598/11 ق/11 سپتامبر 1202م و ذهبی (21/333) 597ق را ذکر کرده است. بنابراین، سخن علمای متأخر شیعه در این باب که وی پیش از رسیدن به 25 سالگی وفات یافته است، نباید صحیح باشد.

صفدی وی را در فقه عديم النظير دانسته، و ابن داوود حلی او را شیخ الفقها خوانده است. شجاعت علمی وی در شکستن سنت تقلید از آرای شیخ طوسی، تحرك بخشیدن به فقه امامیه، خارج کردن آن از رکود و جمود و تشویق ابتکار و اندیشه آزاد، بیانگر جلالت قدر اوست. تا 100 سال پس از درگذشت شیخ طوسی همه مسندنشینان فقهت شیعه خوشه‌چینان آرای شیخ و در حقیقت فقط منعکس کنندگان نظرات او بودند تا جایی که می‌توان گفت باب اجتهاد تا حدودی مسدود شده بود. در چنین وضعی ابن ادریس پای از دایره تقلید بیرون نهاد و به احیای اجتهاد و اظهار نظر آزاد پرداخت. وی گاه در نقد آرای شیخ بسیار سرسختی به خرج می‌داد و شیخ را به طور مستقیم و غیر مستقیم به تبعیت و پیروی از شافعی متهم می‌کرد و گاه لحنش بسیار تند می‌شد، اما به هر حال احترام به شیخ را فرو نمی‌نهاد و با عباراتی چون «الشیخ السعید الصدوق تَعَمَّده الله برحمته» از او یاد می‌کرد.

مامقانی ادعا کرده که ابن ادریس در کتاب طهارت سرائر درباره شیخ طوسی گفت: «و خالی شیخ الاعاجم ابوجعفر الطوسی یفوح [در اصل: یفوه؛ قس: ابن ادریس، 9] من فیه رائحة النجاسة»، لیکن این عبارت در کتاب طهارت سرائر (چاپ موجود) دیده نمی‌شود و احتمال می‌رود تحریف این عبارت سرائر باشد: «...انَّ اباجعفر یفوح من فیه رائحة تسلیم...» که ابداً جنبه رکیکی ندارد.

ابن ادریس پای از دایره تقلید بیرون نهاد و به احیای اجتهاد و اظهار نظر آزاد پرداخت. وی گاه در نقد آرای شیخ بسیار سرسختی به خرج می‌داد و شیخ را به طور مستقیم و غیر مستقیم به تبعیت و پیروی از شافعی متهم می‌کرد و گاه لحنش بسیار تند می‌شد، اما به هر حال احترام به شیخ را فرو نمی‌نهاد و با عباراتی چون «الشیخ السعید الصدوق تَعَمَّده الله برحمته» از او یاد می‌کرد

فقیه معاصر وی سیدالدین حمصی او را اهل تخلیط و غیرقابل اعتماد دانسته است. ابن داوود حلی عدم پذیرش خبر واحد توسط ابن ادریس را به معنی اعراض کلی او از اخبار اهل بیت(ع) گرفته و وی را در زمره ضعفا آورده، ولی در همانجا او را ستوده است. بحرانی می‌نویسد که محقق حلی و علامه حلی به کرات به نقد و طعن او پرداخته‌اند، ولی در دوره‌های بعد نظر علمای رجال در مورد ابن ادریس به تدریج تغییر یافت تا آنجا که مجلسی وی را توثیق کرده است. معاصران نظر حمصی را در مورد تخلیط ابن ادریس تنها از این جهت که وی در نقل اسناد روایات اندکی بی‌دقت بوده، صحیح دانسته‌اند.

ابن ادریس چنانکه از کتاب سرائر، به خصوص بخش مستطرفات آن برمی‌آید، برخی از اصول و مصنفات سلف شیعه را در اختیار داشته و وی آخرین کسی است که درباره برخی از آنها اطلاعاتی به دست می‌دهد، و در برخی از اجازات نام وی در سلسله روایی صحیفه سجادیه دیده می‌شود. همچنین نام وی در میان راویان کتب دیگر نیز

آمده است. ابن ادریس بعضی از کتب سلف را استنساخ کرده، که به عنوان نمونه می‌توان از مصباح المتجهد شیخ طوسی و قرب الاسناد حمیری نام برد. وی خود می‌نویسد که از سید ابوالمکارمین زهره حضوراً و مکاتبتاً استفاده کرده است. از دیگر مشایخ وی چنان‌که از اسناد روایات و اجازات برمی‌آید، می‌توان عمادالدین محمد بن ابی القاسم طبری، عربی بن مسافر عبادی، حسین بن هیة الله بن رطبة سوراوی و عبدالله ابن جعفر دوریستی را نام برد. به گفته ذهبی ابن ادریس از راشد و شریف شرفشاه نیز بهره برده است. سماع بدون واسطه ابن ادریس از شیخ ابوعلی طوسی از حیث زمان و طبقه قابل پذیرش نیست و ظاهراً شخصی که در 511 ق از ابوعلی طوسی استماع کرده، عمادالدین طبری استاد ابن ادریس بوده است.

از جمله شاگردان او می‌توان محیی‌الدین محمد بن عبدالله بن علی بن زهره، فخار بن معد موسوی، محمد بن نماک حلی، علی ابن یحیی خیاط، احمد بن مسعود اسدی و علی بن ابراهیم علوی عربی را نام برد. سند موجود در الاربعون که دلالت بر روایت یحیی بن سعید حلی از ابن ادریس دارد از حیث طبقه مورد تردید است. اگر چه ذهبی متذکر شده که ابن ادریس آثاری در فروع و اصول داشته و ابن داوود او را کثیر التالیف دانسته، مع ذلك جز چند اثر از وی نمی‌شناسیم. آثار بازمانده از او این‌هاست: السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، این کتاب از آثار بدیع فقهی است که ارزش و اعتبار آن پس از قرن‌ها هنوز به قوت خود باقی است. سرائر افزون بر ارزش فقهی آن، به واسطه آخرین بابش که او خود آن را «باب النوادر» نامیده و شامل گزیده‌ای از کتب مشیخه و روایات است، ارزش حدیثی قابل توجهی دارد. چنان‌که از دو موضع کتاب بر می‌آید وی در خلال سال‌های 587 - 588 ق/ 1191-1192 م مشغول تألیف آن بوده است. سرائر در 1247 و 1270 ق در تهران چاپ سنگی شده، و «باب النوادر» آن با عنوان النوادر او مستطرفات السرائر جداگانه در 1408 ق با مقدمه‌ای تحقیقی و حواشی در قم به چاپ رسیده است. منتخب تبیان شیخ طوسی، این کتاب به کوشش سید مهدی رجائی در 1409 ق در قم نشر یافته است، از دیگر آثار وی است.\*

\*منابع: دائرةالمعارف بزرگ اسلامی، جلد دوم، مقاله شماره 874؛ پایگاه اطلاع‌رسانی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.